

Analyzing the functions of the Waqf institution in the monasteries of the Ottoman Empire

Ma'soumeh Dorsar*

Abstract

Waqf as a good tradition and benevolent action is one of the prominent and important social issues in different historical periods and especially in the Ottoman society, it had a prominent position and was the attention of the Ottoman sultans. Since the functions of Waqf in the monasteries of the Ottoman Empire have not been investigated; In this article, an attempt has been made to examine the religious, social, cultural and economic functions of Waqf and to express the motivations of the Ottoman sultans for Moqufat. In this article, the research method is descriptive and analytical and the method of collecting library information. It has been concluded that the Waqf in the Ottoman period was given special care and attention by the Ottoman sultans and with the expansion of Moqufat, and the religious, social, cultural and economic functions of Waqf, monasteries were developed and played an important and influential role in Ottoman society. Due to the presence of some Sufis in the Janissary army and their participation in the Ottoman conquests, Sufi monasteries were often financially supported by the Ottomans and added to their Moqufat. In terms of religion, Waqf resulted in the strengthening and development of religious beliefs, promotion of spiritual thoughts and alignment with the principles of Sunnism. From the social point of view, Waqf was considered as the agent of social justice distribution, provision of public needs, settlement of cities and villages, creation of public welfare and security, creation of service spaces and popular solidarity and expansion of moral virtues. From a cultural point of view, the Waqf promoted the tradition of education and learning and was influential in the spread of science, literature and art. Economically, it has played an important role in creating employment and expanding various techniques and distribution of public wealth.

Key words: Waqf, Monastery, Cultural, Religious, Social, Economic, Ottoman territory.



تحليل وظائف مؤسسة الوقف في اقبية الدولة العثمانية

معصومه دسار*

الخلاصة

يعتبر الوقف سنة حسنة و عمل خيري و هو من القضايا الاجتماعية البارزة و الهامة في فترات تاريخية مختلفة، خاصة في المجتمع العثماني حيث كان له مكانة مرموقة و مورد اهتمام السلاطين العثمانيين. و بما أنه لم يتم البحث في وظائف الأوقاف في اقبية الدولة العثمانية، فقد جرت في هذا المقال محاولة لدراسة وظائف الأوقاف الدينية و الاجتماعية و الثقافية و الاقتصادية و الافصح عن دوافع السلاطين العثمانيين في مجال الأوقاف. في هذا المقال يكون منهج البحث هو وصفي و حليلي و أسلوب جمع المعلومات المكتبية. و قد خلص إلى أن الوقف حظي خلال الفترة العثمانية برعاية و اهتمام خاصين من السلاطين العثمانيين، و مع توسع الأوقاف، و وظائف الوقف الدينية و الاجتماعية و الثقافية و الاقتصادية، تطورت هذه الاماكن و لعبت دوراً هاماً مؤثراً في المجتمع العثماني. و بسبب وجود بعض الصوفية في الجيش الإنكشاري و مشاركتهم في الفتوحات العثمانية، كانت الأديرة الصوفية في كثير من الأحيان مدعومة مالياً من العثمانيين و تضاف إلى أوقافهم. من الناحية الدينية، أدى الوقف إلى تعزيز المعتقدات الدينية و تطويرها، و تعزيز الأفكار الروحية، و المواءمة مع مبادئ أهل السنة. من الناحية الاجتماعية، اعتبر الوقف عاملاً في توزيع العدالة الاجتماعية، و توفير الاحتياجات العامة، و تدمير المدن و القرى، و ايجاد الرفاه و الأمن العام، و إنشاء مساحات خدمية، و التضامن الشعبي و توسيع نطاق المعنويات و الفضائل الاخلاقية. و من الناحية الثقافية، عزز الوقف تقاليد التعليم و التلقي و كان له تأثير في توسيع العلوم و الأدب و الفن. و من الناحية الاقتصادية، فقد لعب دوراً هاماً في خلق فرص العمل و توسيع مختلف التقنيات و توزيع الثروة العامة.

مصطلحات مفتاحية: الوقف، الدين، الثقافة، الدين، الاجتماع، الاقتصاد، الدولة العثمانية.

* دكتوراه في تاريخ و حضارة الأمم الإسلامية.
masumehdorsar@yahoo.com

واکاوی کارکردهای نهاد وقف در خانقاه‌های قلمرو عثمانی



مقاله پژوهشی

معصومه درسار *

چکیده

وقف به‌عنوان سنت حسنه و اقدام خیرخواهانه، از موضوعات شاخص و مهم اجتماعی در دوره‌های مختلف تاریخی است، به ویژه در جامعه عثمانی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده و مورد توجه سلاطین عثمانی بود. از آنجا که کارکردهای وقف در خانقاه‌های قلمرو عثمانی مورد بررسی قرار نگرفته، در این مقاله تلاش شده است کارکردهای دینی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وقف مورد بررسی قرار گیرد و انگیزه‌های سلاطین عثمانی برای موقوفات بیان شود. در مقاله حاضر روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. چنین استنتاج گردیده است که وقف در دوره عثمانی مورد عنایت و توجه خاص سلاطین عثمانی قرار گرفته و با گسترش موقوفات، و کارکردهای دینی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وقف، خانقاه‌ها توسعه یافته و در جامعه عثمانی نقش مهم و تأثیرگذاری ایفاء کردند. به دلیل حضور برخی از صوفی‌ها در لشکر بینی‌چری و شرکت کردن آنان در فتوحات عثمانی، خانقاه صوفی‌ها اغلب مورد حمایت مالی عثمانی‌ها قرار گرفته و به موقوفات آنان افزوده می‌شد. وقف از لحاظ دینی، تقویت و توسعه اعتقادات مذهبی، ترویج اندیشه‌های معنوی و همسویی با اصول سنی‌گری را در پی داشت. از نظر اجتماعی، وقف عامل توزیع عدالت اجتماعی، تأمین نیازمندی‌های عمومی، آبادی شهرها و روستاها، ایجاد رفاه و امنیت همگانی، ایجاد فضاهای خدماتی، و همبستگی مردمی و گسترش فضایل اخلاقی را مدنظر داشت. وقف از منظر فرهنگی، باعث ترویج سنت آموزش و یادگیری گردیده و در گسترش علم و ادب و هنر تأثیرگذار بود. به لحاظ اقتصادی، در ایجاد اشتغال و گسترش فنون گوناگون و توزیع ثروت همگانی نقش مهمی ایفاء کرده است.

واژگان کلیدی: وقف، خانقاه، فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی، قلمرو عثمانی.

۱- دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی
masumehdorsar@yahoo.com



مقدمه

با ظهور امپراتوری عثمانی در قرن هفتم هجری قمری / سیزدهم میلادی در آسیای صغیر، که با تسلط بر امیرنشین‌های منطقه صورت گرفت، از همان آغاز ظهور، سلاطین عثمانی به دلایل سیاسی و برای وحدت بخشیدن به امپراتوری که اقوام و مذاهب گوناگون را در خود جای داده بود، و نیز برای تبدیل شدن به قدرتی برتر و تحکیم پایه‌های قدرت خود، با طریقت‌های صوفیه پیوند برقرار نمود. از آنجا که در این دوره فقها و عالمان دین فاقد قدرت بوده و نفوذی در میان عثمانی‌ها نداشتند، بنابراین دولت عثمانی سیاست استفاده از قدرت طریقت‌های صوفیه و تعامل با آنان را به کار گرفت. از این رو به تأسیس خانقاه‌ها و اختصاص موقوفات به آن‌ها همت گمارد. تشکیلات صوفیانه در تلقین و ترویج آرمان جهاد نقش مؤثری ایفا می‌کردند و باورها و افکار مردم را نیز تحت تأثیر قرار می‌دادند. بدین ترتیب مادامی که طریقت‌های صوفیه بر اصول شریعت منطبق بودند و با اصول سنی‌گری منافات نداشتند، و اهداف سیاسی را دنبال نمی‌کردند، مورد توجه و حمایت مالی عثمانی‌ها واقع شدند و با نفوذ در ارتش و دستگاه حکومتی عثمانی به صورت نیروی قابل توجهی درآمدند و در بین عموم مردم مقبول واقع شدند و با بهره‌مندی از کارکردهای دینی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موقوفات، در تحولات عرصه‌های گوناگون جامعه عثمانی نقش سازنده‌ای ایفاء نمودند. به طوری که موقوفات با ساماندهی خانقاه‌ها، باعث شد که جریان‌های اجتماعی و فرهنگی، فکری و علمی، صنفی و اقتصادی صوفی‌ها، پیشرفت کرده و در بسط و گسترش تصوف در سرزمین‌های عثمانی تأثیر گذارد.

پیشینه پژوهش

در مورد موضوع مقاله حاضر تاکنون تألیف مجزایی صورت نگرفته است. لذا به دلیل اهمیت کارکردهای نهاد وقف در خانقاه‌های قلمرو عثمانی، پژوهش در مورد این موضوع، اهمیت و ضرورت می‌یابد. علی‌رغم اینکه درباره انواع و ارکان وقف، کتاب‌ها و مقالات متعددی به نگارش درآمده است، با وجود این، به واکاوی کارکردهای مختلف نهاد وقف در خانقاه‌های قلمرو عثمانی پرداخته نشده و اثر مستقلاً نوشته نشده است. از این رو به دلیل عدم توجه کافی به بررسی کارکردهای نهاد وقف در خانقاه‌های قلمرو عثمانی، پژوهش در این زمینه اهمیت فراوانی پیدا می‌کند. به طوری که می‌توان با یک نگاه روشکافانه‌تر در این باب سخن گفت و بخشی از نقایص در این زمینه را رفع کرد. از مهمترین

آثار مرتبط با مسأله وقف و موقوفات در دوره عثمانی، می‌توان موارد ذیل را برشمرد، که مطالعات و تحقیقاتی تخصصی هستند که اغلب درباره ظهور و سقوط امپراتوری عثمانی، سلاطین عثمانی، و ماهیت فکری و آداب و ارکان طریقت‌های صوفیه سخن گفته‌اند و اشاره چندانی به نهاد وقف در دوره عثمانی نکرده‌اند.

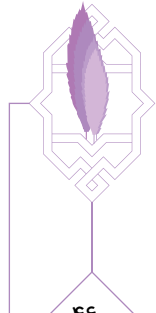
دین و سیاست در دوره عثمانی از داود دورسون، استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی از برنارد لوئیس، امپراتوری عصر متقدم ۱۶۰۰-۱۳۰۰ از خلیل اینالجق، ترکان، اسلام، علوی‌گری- بکتاشی‌گری در آناتولی از محمدتقی امامی خوئی، علویان ترکیه از نوری دونمز، مولانا دیروز تا امروز شرق تا غرب از فرانکلین دین لوئیس.

Neşet Çağatay'ın Bir türk kurumu Olan Ahilik, Yusuf Ekinci'in Ahilik ve Meslek Eğitimi, Abdülbaki Gölpınarlı'nın Mevlanadan sonra Mevlevilik, Yaşar Yücel'in Anadolu Beylikleri Hakkında Araştırmalar, ömer Lütfi Barkan'ın kolanizatör türk dervişleri.

وجه تمایز تحقیق پیش‌رو با این تحقیق‌های انجام شده، آن است که در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با تکیه بر منابع گوناگون و توصیف و تحلیل، به واکاوی کارکردهای نهاد وقف در خانقاه‌های قلمرو عثمانی بپردازد و به سؤالات ذیل پاسخ دهد. انگیزه‌های سلاطین عثمانی برای وقف چه بوده است؟ کارکردهای دینی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وقف در خانقاه‌های قلمرو عثمانی چه بوده است؟

۱. انگیزه‌های سلاطین عثمانی برای وقف

یکی از دلایل وقف سلاطین عثمانی، انگیزه‌های خیرخواهانه آنان بود. برخی اوقات سلاطین عثمانی به دلیل ارادت به طریقت‌های صوفیه، با انگیزه‌های خیرخواهانه موقوفاتی را برای خانقاه‌های صوفیه اختصاص می‌دادند. بنابراین در دوره امپراتوری عثمانی‌ها موقوفات بسیاری برای خانقاه‌های صوفیه به ویژه اخی‌ها، بکتاشی‌ها و مولوی‌ها اختصاص یافته، و مقرری سالیانه‌ای نیز به پیر خانقاه‌ها پرداخت می‌شد (ریاحی، ۱۳۶۹: ۱۰۳). به طوری که سلطان مراد اول (۷۹۱-۷۶۱ ق. / ۱۳۸۹-۱۳۶۰ م.)، سیاست تأسیس مراکز اوقاف را اجرا نمود و زمانی که وی آنکارا را از اخی‌ها پس گرفت، به اخی موسی در مالقره مقداری زمین وقف کرد، به شرط آنکه پس از خود وی به فرزندان ذکور یا اناث او خواهد رسید و از سوی هیچ‌کس تجاوزی به عمل نخواهد آمد (گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۱۰۶). سلطان محمد اول (۸۲۳-۸۰۵ ق. / ۱۴۲۱-۱۴۰۲ م.) نیز، که وصف حاجی بکتاش را شنیده بود، به زیارت



بارگاه او آمد، وقف آن را فزونی بخشید و امارت دیگری به آنجا اضافه کرد و سقف آن را نیز سرب اندود و زیبا نمود (ولایت‌نامه، ۲۰۱۱: ۲۶۱).

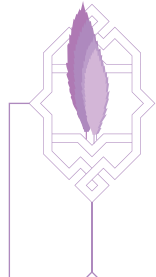
در روزگار سلطان سلیم اول (۹۲۵-۹۱۷ ق. / ۱۵۲۰-۱۵۱۲ م.) نیز، به دلیل ارادت وی به مولویه و درگاه مولانا، موقوفات زیادی بر تکیه آن داده شد. وی برای خانقاه مولویه در قونیه نیز وقف‌هایی اختصاص داد. یک راه آبی نیز تا خانقاه مولانا احداث نمود و آب آرامگاه را تأمین کرد (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۹: ج ۲: ۳۲۷، gölpinarli: ۱۹۵۳: ۱۵۴). در دوره سلطان سلیمان اول (۹۷۴-۹۲۷ ق. / ۱۵۶۶-۱۵۲۰ م.)، نیز، موقوفات بسیاری برای خانقاه‌ها اختصاص یافت. به ویژه خانقاه‌های بسیاری در نقاط مختلف به همت یا به افتخار دیوانه محمد چلبی شاخص‌ترین فرد مولویه، افتتاح گردید (گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۱۸۰: نظامی، ۱۳۹۷: ۱۹۷). به طوری که آورده‌اند «محمد سفری به استانبول کرد و در خانه مجلل اسکندریاشا اقامت گزید. اسکندر باغ‌های میوه کوله را در غلظه وقف کرد و به احترام محمد، مولوی‌خانه‌ای در آنجا ساخت» (لویزن، ۱۳۸۹: ج ۲: ۳۶۴).

سلطان مراد سوم (۱۰۰۳-۹۸۱ ق. / ۱۵۹۵-۱۵۷۴ م.) نیز، نسبت به مولویه توجه خاصی داشت (اینالچق، ۱۳۹۴: ۳۳۶). وی به دلیل توجه به مولوی‌ها، خانقاه‌ها را به خصوص در قونیه گسترش داد و حجره‌هایی نیز برای درویشان تأسیس نمود. وی خانقاه‌هایی را بنیاد کرد تا مولوی‌ها در آن ساکن شوند و هر سحر، ورد خوانند تا ارشاد شوند (gölpinarli: ۱۹۵۳: ۱۵۵). وی در سال ۹۹۵ ق. / ۱۵۸۷ ق. نیز در بیت‌المقدس خانقاهی دو طبقه برای مریدان مولویه بنا نمود که یک طبقه برای عبادت و دیگری جهت سکونت صوفیان و درویشان اختصاص یافت (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ۲/ ۹۱۵). سلطان مصطفی سوم (۱۱۸۷-۱۱۷۰ ق. / ۱۷۷۴-۱۷۵۷ م.) نیز به مولویه ارادت داشت، به گونه‌ای که خانقاه گالاتا که در آتش‌سوزی توپخانه طعمه حریق شده بود، به فرمان وی در سال ۱۱۷۹ ق. / ۱۷۶۵ م. از نو بازسازی شد (akgündüz: ۲۰۰۷: ۴۰). مولوی‌خانه گلیبولی نیز در سال ۱۱۸۱ ق. / ۱۷۶۷ م. به دستور او تعمیر گشت (گولپینارلی، ۱۳۸۲: ۳۲۸). به طور کلی می‌توان گفت یکی از عوامل مهم توسعه و دوام طریقت‌ها و خانقاه‌های آنان را، توجه سلاطین، ثروتمندان و بزرگان عثمانی به طریقت‌های صوفیه و موقوفات به آن‌ها قلمداد نمود. در واقع موقوفات به خانقاه‌ها نوعی حمایت از طریقت‌ها و تمایل حکومت عثمانی به پابرجایی طریقت‌ها محسوب می‌شد که در پی آن نیز روابط تعاملی میان طریقت‌ها و حکومت عثمانی را به همراه داشت.

یکی دیگر از دلایل وقف سلاطین عثمانی، شرکت کردن برخی صوفی‌ها در فتوحات

عثمانی و تقویت رفتارهای صوفیانه و معنوی لشکر عثمانی، و ایجاد اشتیاق نظامی در راه جنگ و جهاد لشکر عثمانی است. بنابراین عثمانی‌ها به دلیل بهره‌مندی از حضور صوفی‌ها در فتوحات، موقوفاتی برای خانقاه آنان اختصاص می‌دادند. از جمله زمانی که رهبران برخی طریقت‌ها چون سید علی سلطان، گییکلی بابا و ابدال موسی از رهبران طریقت بکتاشیه و اخی حسن از رهبران اخی‌ها، به همراه مریدان خود در دوره اورخان اول (۷۶۱-۷۲۶ ق. / ۱۳۶۰-۱۳۲۶ م.) به فتوحات عثمانی در اروپا پیوستند و به طور مستقیم در توسعه قلمرو عثمانی سهیم شدند، در مقابل، امیر عثمانی به آنان املاک واگذار کرده و موقوفات و زوایایی برای آنان دایر کرد. اغلب خانقاه‌ها و زوایا برای درویش جنگجو، در بورسه تأسیس شد (اوجاق، ۱۳۸۵: ۱۷۲-۱۶۹؛ اوجاق و بایرام، ۱۳۸۴: ۱۲۲؛ لویزن، ۱۳۸۴: ج ۱: ۲۷۱). سرزمین‌هایی نیز در دامنه‌های کوه کشیش به گییکلی بابا واگذار شد، تا خانقاه‌هایی را در آنجا تأسیس کند (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷: ج ۲: ۲۴۴). اورخان اول در بورسه خانقاه و زاویه‌ای نیز به نام اخی حسن بنا کرد (گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۱۰۶؛ Gündüz، ۲۰۰۵: ۱: ۴۸۳). سلطان مراد اول نیز در اثنای فتوحات در سرزمین‌های روم ایلی، برای نخبگان دینی مراکز وقفی مختلفی بنیان نهاد. از جمله اینکه خانقاهی در مالقره به اخی یگان اختصاص داد. همچنین در سال ۷۶۶ ق. / ۱۳۶۵ م. برای اخی موسی در گلیبولی خانقاهی ساخت و موقوفات زیادی به آن بخشید (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷: ج ۲: ۲۴۴؛ barkan، ۱۹۴۲: ۲۹۲). در واقع می‌توان گفت نمایندگان طریقت‌ها به عنوان مشاور دینی و نظامی در امور لشکری و کشوری عثمانی‌ها عمل نموده و اعمال مذهبی و نظامی سپاه عثمانی را تقویت کردند و با ایجاد اشتیاق نظامی در راه جنگ و جهاد، گسترش فتوحات و کشورگشایی را برای حکومت عثمانی به ارمغان آوردند. بنابراین سلاطین عثمانی از حضور و همراهی طریقت‌ها بهره فراوانی بردند و در جهت حمایت از آنان خانقاه‌ها و موقوفات بسیاری به طریقت‌ها اختصاص دادند و این امر نیز باعث گسترش آراء و عقاید صوفیه در نقاط مختلف قلمرو عثمانی و توفیق حیات طریقت‌ها گشت.

علاوه بر سلاطین عثمانی، برخی از بزرگان و ثروتمندان قلمرو عثمانی نیز به موقوفات می‌پرداختند. اما در مسأله موقوفات طریقت‌ها، همیشه نیت‌ها خالصانه نبود. برخی مواقع مسأله موقوفات نزاع‌ها و مشکلاتی را به همراه داشت. گاهی وقف وسیله حق به جانبی شده است برای نجات اموال از تجاوز دولت، و عده‌ای از وقف‌کنندگان از ترس مصادره به این کار تن داده‌اند. در برخی مواقع اوقاف باعث شده بود برخی دده‌ها از



انجام کارهای مخصوصی که داشتند اجتناب کنند، در واقع موقوفات آن‌ها را به صورت طفیلی درآورده بود که دست از کسب و کار کشیده بودند. مسأله اوقاف، گاهی مایه یک ناسازگاری را فراهم آورده بود. اگر متولی شیخ بود، به سبب ادعای مشیخت، درون خانواده دعوای حق تولیت بر پا می‌شد. اگر متولی شیخ نبود، بین متولی و شیخ و درویشان درباره رعایت و عدم رعایت جر و بحث در می‌گرفت (گولپینارلی، ۱۳۸۲: ۳۴۵-۳۴۲).

۲. کارکردهای دینی وقف در خانقاه‌ها

وقف در ایجاد و توسعه خانقاه، به عنوان یک نهاد دینی که پایگاه تقویت معنویات و اخلاقیات است، نقش اساسی دارد. وقف از طریق تأمین زمین و تأمین هزینه بنا از جانب سلاطین و بزرگان، مهمترین پشتوانه مالی جهت تأسیس نهاد دینی خانقاه بود که زمینه‌های برپایی مراسم دینی و مذهبی صوفی‌ها و ارائه شعار دینی آن‌ها را فراهم می‌نمود (اینالچق، ۱۳۹۴: ۳۱۹). در واقع وقف یکی از اصلی‌ترین پشتوانه‌های مالی و اقتصادی برنامه‌های دینی و مذهبی خانقاه‌ها در قلمرو عثمانی بود و طریقت‌های صوفیه از طریق وقف، اهداف دینی و مذهبی خود را در جامعه پیش می‌بردند. به طوری که می‌توان گفت، عثمانی‌ها با حمایت از طریقت‌های صوفیه باعث گسترش اندیشه‌های معنوی آنان و ایجاد بستر تصوف در میان اقشار گوناگون جامعه شده، و در مقابل آن نیز، صوفی‌ها به رعایت اصول سنی‌گری پرداختند. در نتیجه برقرار بودن خانقاه‌ها همواره تعامل معنوی و مذهبی میان طریقت‌های صوفیه و عثمانی را در پی داشت.

گسترش اندیشه‌های معنوی طریقت‌ها، به خصوص بکتاشیه، باعث نفوذ آنان در میان لشکر یینی‌چری شد. تقویت معنوی سپاه یینی‌چری، توجه هرچه بیشتر فرمانروایان عثمانی را نسبت به بکتاشیه به دنبال داشت، به گونه‌ای که در کنار مزار حاجی بکتاش به عنوان پیر یینی‌چری‌ها، بناها و چشمه‌هایی برپا کرده و موقوفات بسیاری را به خانقاه‌ها اختصاص دادند (امامی خوئی، ۱۳۹۲: ۲۳۰؛ الفهد، ۱۴۳۹: ۶). فرمانروایان عثمانی برخی روستاها را نیز با هدف تأسیس مراکز دینی و محافظت از آنان، وقف صوفی‌ها کردند. سیاست تأسیس مراکز اوقاف، به منظور مساعدت به صوفی‌ها را اورخان اول آغاز، و سلیمان پاشا پسر اورخان اول نیز ادامه داد و برای نخبگان دینی مراکز وقفی مختلفی بنیان گذاشت (دورسون، ۱۳۸۱: ۱۹۱؛ barkan, ۱۹۴۲: ۲۹۲). از آنجا که دین از طریق نخبگان دینی در دولت‌ها مؤثر بوده‌اند، لذا صوفی‌ها به عنوان یکی از گروه‌های نخبگان دینی نقش مهمی ایفا

کردند. بدین‌صورت که نظام سیاسی، بنابر طبیعت و ذات خود، از صوفی‌ها به عنوان نخبگان دینی حمایت کرده و پشتیبان آنان بوده و در حاکمیت از وجودشان بهره‌مند شده است. نظام سیاسی در این مرحله، از طریق اوقاف، انتقال مالکیت اراضی و نهاد تیمارا، به گسترش خانقاه‌ها و مؤسسات دینی کمک کرده است (دورسون، ۱۳۸۱: ۱۹۲). بنابراین موقوفات کارکرد مهمی در گسترش مراسم دینی و مذهبی داشتند و در واقع پشتوانه ترویج و توسعه شعائر مذهبی در جامعه عثمانی بودند. به عبارتی دیگر می‌توان گفت، وقف در تکامل و توسعه ارزش‌های معنوی نقش مهمی دارد. در واقع وقف از طریق به خدمت گرفتن ارزش‌ها و امکانات مادی، به نفع ارزش‌های معنوی، در توسعه معنوی جامعه تأثیرگذار است.

برخی مواقع موقوفات برای مؤسسه‌ها و نهادهای اجتماعی و دینی همچون خانقاه‌ها، جهت حفظ سیاست سنی‌گرایی بود. به خصوص زمانی که فرمانروایان عثمانی از روابط بین مردم آناتولی و صفویان نگران بودند و خطر سقوط آناتولی را از جانب صفوی‌ها حس می‌کردند، برای از بین بردن این خطر و کاهش نفوذ صفوی‌ها، به احیاء خانقاه‌ها و مقابر بزرگان اهل سنت پرداخته و سیاست سنی‌گرایی را در دولت عثمانی شروع کردند تا علوی‌های صوفی‌مسلك را از توجه به دولت شیعی صفوی دور نگه دارند (دونمز، ۱۳۸۹: ۲۰؛ savaş, ۲۰۰۲: ۱۴۳-۱۴۴). بدین‌ترتیب موقوفات جهت تأسیس یا احیاء موقوفات، به منظور حفظ اصول سنی‌گری، تعامل معنوی و مذهبی میان صوفی‌ها و عثمانی‌ها را در پی داشت

۳. کارکردهای اجتماعی وقف در خانقاه‌ها

وقف کارکردهای اجتماعی فراوانی دارد و در قلمرو عثمانی تأثیرات قابل توجهی گذاشته است. عثمانی‌ها با تأسیس خانقاه‌های بسیار در مناطق مختلف قلمروشان و اختصاص موقوفات به آن‌ها، با صوفی‌ها پیوند یافته و نوعی وابستگی اجتماعی میان آنان ایجاد شد. با توجه به اینکه صوفی‌ها در خارج از خانقاه‌های خود فعالیت نداشتند و صرفاً خانقاه‌ها محل ذکر و عبادت و سماع و رقص آنان بود (لابی ار، ۱۳۷۵: ج ۱: ۴۱۰)، و باورهای صوفیانه و مذهبی آنان نیز در خانقاه‌ها تبلیغ می‌شد، بنابراین خانقاه‌های آن‌ها یک مرکز اجتماعی قلمداد می‌شد، و مکانی بود برای تجمع صوفی‌ها و برگزاری آیین‌های

۱- تیمار نوعی اقطاع نظامی بود که به سواره نظام عثمانی در ازای خدمات نظامی اعطا میشد.



مذهبی آنان. با رواج باورها و عقاید و آداب و سنن صوفی‌ها، طبقات مختلف اجتماعی اعم از اشراف و مردم عادی جذب گروه‌های صوفیه می‌شد. گرایش طبقات مختلف مردمی، با عقاید متنوع خود به طریقت‌ها، مبادله افکار و ظهور برخی سنت‌ها و عادات را نیز در خانقاه‌ها در پی داشت. در حقیقت خانقاه‌ها در تحولات اجتماعی نقش چشمگیری ایفا می‌کردند و دامنه تأثیرگذاری آنان طیف وسیعی از جامعه را در بر می‌گرفت. از طرفی هم تأسیس خانقاه‌ها و اختصاص موقوفات به آن‌ها، نوعی آباد کردن مناطق مختلف و تأمین امنیت راه‌ها محسوب می‌شد. بدین‌ترتیب خانقاه‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای در حیات اجتماعی عثمانی ایفا نمودند و به عنصری مهم در برقراری روابط تعاملی گروه‌های صوفیه با جامعه عثمانی تبدیل شدند.

صوفی‌ها با تکیه بر عواید موقوفات، در کنار خانقاه‌ها، کاروانسرا، مسجد، بیمارستان، حمام، بازارچه، مدرسه و کتابخانه نیز می‌ساختند و بدین‌سان هر یک از این نهادها و مراکز، در پیشرفت نظام اجتماعی و فکری جامعه عثمانی نقش حائز اهمیتی داشتند. ساخت چنین فضاهای خدماتی، روحیه انفاق، ایثار، فداکاری و نیکوکاری را نیز در جامعه تجلی می‌کرد. همچنین برخورداری از موقوفات باعث می‌شد که گروه‌های صوفیه، در خانقاه‌ها از مسافری و فقرا نیز پذیرائی می‌کردند (معصومعلیشاه شیرازی، ۱۳۸۲: ج ۲: ۳۴۷). در واقع صوفی‌ها با پذیرائی از مسافران و تازه‌واردان و فقیران در خانقاه‌ها، آن‌ها را با اصول صوفی‌گری آشنا می‌کردند و باعث جذب توده‌های مردمی به سوی خود می‌شدند و طرفدارانی برای خود می‌یافتند و بدین‌ترتیب نوعی وابستگی اجتماعی میان آنان ایجاد می‌شد. ابن بطوطه در شهرهای مختلف آناتولی به خانقاه‌های مختلف برخورد و مهمان گروه‌هایی از صوفیه شده است، وی در این باره می‌نویسد: «این گروه در غریب‌نوازی و اطعام و برآوردن حوائج مردم و دستگیری از مظلومان و کشتن شرطه‌ها و سایر همدستان آن‌ها از اهل شر در تمام دنیا بی‌نظیرند. این جماعت مسافرینی را که وارد شهر می‌شوند در خانقاه خود منزل می‌دهند و مسافر تا هنگامی که بخواهد آن شهر را ترک کند مهمان آنان تلقی می‌شود. اگر شبی مسافر نرسید غذایی را که تهیه می‌شود خودشان می‌خورند و سپس به رقص و آواز می‌پردازند تا فردا دوباره بر سر کسب و کار خود بروند و با آنچه را که به دست می‌آورند وقف خانقاه سازند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ج ۱: ۳۴۸-۳۴۷). در واقع اطلاعات وسیع ابن بطوطه آشکارا گویای این مسأله است که خانقاه‌های صوفی‌ها نه تنها در سرتاسر آناتولی گسترده بوده و مکانی برای سکونت

صوفی‌ها و مسافران و فقیران بوده است، بلکه در نظام‌مند کردن حیات اجتماعی آناتولی نیز نقش مهمی ایفا کرده است.

مسأله موقوفات از مواردی بود که باعث نزدیکی ارباب طریقت به رجال حکومتی نیز می‌شد. گروه‌های صوفیه با اعتقاد به مفاهیم عقیدتی و مذهبی حکومت عثمانی، در میان علمای زمان نیز مورد قبول واقع می‌شدند (عربخانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹). از آنجا که اداره خانقاه‌ها و تأمین معاش صوفی‌ها نیز به درآمد نیاز داشت، بنابراین مناسبات بین خانقاه‌ها و عثمانی‌ها جهت برخورداری صوفی‌ها از موقوفات، امری ضروری بود. در نتیجه حمایت عثمانی‌ها از خانقاه‌ها، جذب هر چه بیشتر صوفی‌ها به سوی حکومت عثمانی را در پی داشت. بدین‌تریب صوفی‌ها با اقشار مختلف جامعه عثمانی در ارتباط بوده، روابط اجتماعی آنان تقویت و همبستگی اجتماعی میان گروه‌های صوفیه با مردم و سلاطین عثمانی ایجاد می‌شد.

۴. کارکردهای فرهنگی وقف در خانقاه‌ها

وقف دارای ابعاد فرهنگی بسیار گسترده‌ای است و به خصوص نقش آن در گسترش علم و ادب و هنر بسیار درخشان است. چراکه ترویج علم و ادب و هنر در خانقاه‌ها، در ارتقای فرهنگ دینی، تصحیح روابط اجتماعی، ارتقای سطح علوم و مهارت‌های مختلف شغلی، و ایجاد زمینه‌های اقتصادی نقش اساسی دارد.

یکی از مهمترین کارکردهای فرهنگی وقف در خانقاه‌ها، کمک به سنت آموزش و یادگیری بود. به طوری که در خانقاه‌ها و زاویه‌ها، سیره نبوی، حمزه‌نامه، فتوت‌نامه و آثاری همانند این‌ها خوانده می‌شد. در مجامع فرهنگی و خاص، دیوان‌ها، مثنوی‌ها، حماسه‌نامه‌ها و جهادنامه نیز خوانده می‌شد. این وضعیت در جامعه عثمانی نوعی وحدت فرهنگی ایجاد کرده بود (demirpolat, akca, ۲۰۰۴: ۳۶۸). در خانقاه‌ها علاوه بر تزریق اطلاعات دینی، علمی و ادبی، و آموزش سواد، خواندن قرآن کریم و آموزش زبان‌های ترکی، عربی و غیره نیز مورد توجه بود. همچنین برای افرادی که استعداد و توانایی داشتند و یا خود راغب به یادگیری بودند، دروسی همچون خوشنویسی و موسیقی نیز آموزش داده می‌شد. در نتیجه این آموزش‌ها، اصناف مختلف صوفی‌مسلک قادر به خواندن آثار علمی شده و بر موضوعات علمی آگاهی یافته و در صدد بهره‌مندی از آن برمی‌آمدند. گروه‌های صوفیه، آثار علمی، تاریخی و دینی را مورد توجه خاص قرار دادند و برخی از آنان به درجه‌ای



نائل شدند که خودشان توان شعر گفتن و حماسه‌نویسی را کسب کردند (ekinici, ۳۷: ۱۹۹۰; demirpolat, akca, ۳۶۸: ۲۰۰۴; ozköse, ۱۲: ۲۰۱۱). در خانقاه‌ها برخی از علمای مشهور نیز به تعلیم فقه و حدیث و تفسیر همت می‌گماردند. از جمله این علما، تورسون بود که وی از علمای مشهور دوره عثمان اول بود. وی شاگرد و داماد شیخ ادبالی بود که حکومت عثمانی از تعلیمات او در خانقاه‌ها و مدارس در زمینه‌های فقه و حدیث و تفسیر بهره می‌برد. وی در دولت عالیه، نخستین قاضی و نخستین مفتی بود که (سامی، ۱۳۱۱ ق.: ج ۴: ۳۰۲۰؛ گولپینارلی، ۱۳۷۸: ۲۰۱)، به نام عثمان خطبه خواند و این نخستین خطبه‌ای بود که به نام عثمان غازی خوانده می‌شد (منجم باشی، ۱۳۹۳: ۶۸). تعلیمات دینی و فقهی تورسون در خانقاه‌ها تأثیر عمیقی در افکار گروه‌های صوفی‌مسلك برای درک بهتر ارزش‌های دینی و اخلاقی داشته است. در حالت کلی می‌توان گفت کارکردهای فرهنگی وقف در خانقاه‌ها بسیار مؤثر افتاد، به طوری که گروه‌های صوفیه با توانمندی‌های فکری و علمی، تحولات عمیقی را در جامعه عثمانی سبب شده‌اند، زیرا آنان با تعلیمات علمی، ادبی و دینی خود در خانقاه‌ها و زوایا، سبب رواج ادبیات ترکی و گسترش اسلام شده و وحدت فرهنگی را برای جامعه عثمانی به ارمغان آوردند.

یکی دیگر از مهمترین کارکردهای فرهنگی وقف، کمک به ترویج هنر و ادب در خانقاه‌های قلمرو عثمانی است. خانقاه‌ها به مثابه مراکز فرهنگی و معنوی از تشکیلاتی مشخص و مراسم و شعائر ثابتی برخوردار بودند، به گونه‌ای که شعائر آنان تا دستگاه‌های حکومتی نیز نفوذ کردند. در واقع خانقاه‌ها همانند دانشکده‌های آن زمان بودند و از طریق هنر، خوشنویسی، موسیقی و ادبیات که ابزاری عارفانه محسوب می‌شدند، در قلمرو عثمانی تأثیر گذاشتند و در طی قرون و اعصار، اشعار ترکی از ذات و عصاره تعلیمات مولانا بهره‌ها گرفتند (فریدلندر، ۱۳۸۲: ۲۰۰). گسترش گروه‌های صوفیه در قلمرو عثمانی، تا حدی بود که حتی برخی مدارس نیز به خانقاه تبدیل شدند. از جمله در زمان حکمرانی دولت عثمانی بر عراق، در سال ۱۰۱۷ ق. / ۱۶۰۸ م. مدرسه مستنصریه با آن همه عظمت که عالی‌ترین نمونه مدارس اسلامی بود، به صورت خانقاه درآمد (کیانی، ۱۳۶۹: ۱۰۵-۱۰۴). بدین ترتیب فعالیت‌های صوفی‌ها در زمینه‌های هنر و ادب در جامعه عثمانی کارگر افتاد و باعث شد دولت عثمانی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، هنری و ادبی به پیشرفت نائل آید.

طریقت‌های صوفیه و به خصوص مولویه تأثیر بی‌حد و حصری بر ادب و فرهنگ ترکی داشته است. چرا که در خانقاه‌ها توجه به مثنوی باعث شد انواع ادبی جدیدی

در ارتباط با مثنوی به وجود آید. از جمله نظیره، شرح، منتخبات، مناقب، زندگی‌نامه‌های خودنوشت اعضای طریقت مولویه، مجموعه‌های شعر مولوی‌گونه، و رسالاتی درباره آداب و عادات این طریقت. علما و محققین ترک نیز سهم زیادی در درک و فهم بهتر مثنوی ادا کرده‌اند (لویزن، ۱۳۸۹: ج ۲: ۳۴۳). شیوخ مولوی در خانقاه‌ها، مثنوی را به شکل قابل درکی تعلیم می‌دادند و مراسم سماع و رقص و مثنوی‌خوانی را بر پا می‌داشتند. مراسم سماع و رقص از شهرت خاصی برخوردار بود و آیینی بود که در آن از حرکت اجرام آسمانی تقلید می‌شد، و موسیقی الحانی آسمانی داشت که شوق عرفانی را بر می‌انگیخت و به بروز حالت شطح می‌انجامید (اینالجق، ۱۳۹۴: ۳۳۷؛ گولپینارلی، ۱۳۸۲: ۳۲۶). هر جمعه در خانقاه‌های مولویه ذکر سماع و رقص و مثنوی‌خوانی و خواندن اشعار مولوی به اسم «آیین شریف» معمول بود. در روزهای اعیاد نیز اشعاری که در مدح پیامبر؟؟ یا علی؟؟ و یا مولانا ساخته شده بود، با صدای بلند و ساز و آواز خوانده می‌شد (ساسانی، ۱۳۵۴: ۱۶۶؛ محمدزاده صدیق، ۱۳۶۹: ۱۲۲). علاوه بر رقص و سماع، حلقه ذکر جلی و فکر و مراقبه و اوراد نیز در خانقاه‌ها متداول بود (معصوم‌علیشاه شیرازی، ۱۳۸۲: ج ۲: ۳۱۹؛ محمدزاده صدیق، ۱۳۶۹: ۱۲۳). سماع و رقص تا جایی ادامه می‌یافت که صوفی‌ها به حال وجود درمی‌آمدند (ابن بی‌المنجمه، ۱۳۵۰: ۱۰۷؛ غلامعلی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۲۲). «در مراسم خانقاه‌ها پاشاها هم بودند و به آهنگ‌ها گوش می‌دادند و چشم خمار می‌کردند و امرا آه می‌کشیدند و طبقات مرقه بر سر سفره‌ها آروغ می‌زدند» (گولپینارلی، ۱۳۸۲: ۳۲۷-۳۲۶). در واقع مراسم رقص و سماع و مثنوی‌خوانی در خانقاه‌های مولویه، باعث حضور طبقات مختلف جامعه در این مراسم‌ها گشته و منجر به تأثیرپذیری آنان از اندیشه‌های معنوی و عرفانی می‌شد. لذا خانقاه‌ها از نظر فرهنگی جایگاه خاصی داشتند و نقشی کلیدی و مؤثری نیز در برقراری روابط تعاملی صوفی‌ها با طبقات مختلف جامعه عثمانی ایفا می‌کردند.

توجه و ارتباط برخی سلاطین عثمانی، از جمله سلطان بایزید دوم به زبان فارسی، به خصوص سماجت وی برای جلب جامی عارف و دانشمند فارسی زبان، بیانگر میزان توجه و اهتمام وی به امر دانش و دانشمندان فارسی و عدم مخالفت با ترویج زبان فارسی توسط مولویه بود. سلطان سلیمان اول نیز، به فارسی‌گویی و فارسی‌سرایی و مثنوی‌خوانی مولویه علاقه داشت (طاشکبری‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۰-۴۱ مقدمه). شاهزاده مصطفی فرزند سلطان سلیمان اول نیز اهل شعر و ادب بود، و به مثنوی‌خوانی نیز اظهار علاقه خاصی از خود نشان می‌داد (لابی‌ار، ۱۳۷۵: ج ۲: ۷۹۷؛ پورگشتال، ۱۳۶۷: ج ۲: ۱۲۱۵). شعر فارسی در طبع و



ذوق سلاطین عثمانی به حدی مؤثر بود که اکثر آن‌ها همانند مخدومان سلف خود به فارسی شعر می‌گفتند. گاهی مراسلات و نامه‌های دیوانی و مکاتبات رسمی را هم به زبان فارسی می‌نوشتند. داشتن منشیان زبردست فارسی‌نویس از آغاز روزگار عثمانی‌ها نیز، به خوبی بیانگر مرتبه زبان فارسی در دربار عثمانی است (طاشکبری‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۹ مقدمه). اما با وجود علاقه و توجه سلاطین عثمانی بر فارسی‌گویی، بر اساس تعصبات دولت سنی مذهب عثمانی زبان فارسی مردود بود و اعتقاد عثمانی‌ها بر این بود که هر کسی فارسی می‌خواند نیمی از ایمانش بر باد رفته است (کین راس، ۱۳۷۳: ۱۶۴). در واقع با آن که عده‌ای از علما، مولویه و مثنوی را می‌ستودند، برخی از علما نیز نسبت به مولویه بدبین بودند و از جمله دلایل آن بدبینی، ناشی از این بود که در کتاب مثنوی، روح و عمقی می‌دیدند که در نظریه‌ها و رساله‌های تصوف سایر فرقه‌های صوفیه وجود نداشت. بنابراین نسبت به مولویه احساس خطر می‌کردند. دلیل دیگر مخالفت نیز برپایی مراسم رقص و سماع مولوی‌ها بود (لابی ار، ۱۳۷۵: ج ۲: ۷۹۹). با این وجود، برخی سلاطین عثمانی نظیر سلطان احمد اول در مراسم سماع شرکت می‌کرد و سایرین را هم به شرکت در این مراسم تشویق می‌نمود. او حتی در شعری ارادت خود را به مولانا و مثنوی به صورت بسیار زیبایی نشان داده است (لوئیس، ۱۳۸۵: ۵۵۹؛ گولپینارلی، ۱۳۸۲: ۲۲۶).

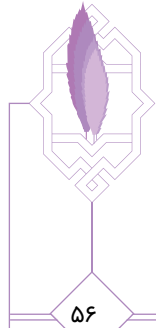
با گسترش فرمانروایی خاندان عثمانی در سراسر آناتولی و رسمیت یافتن زبان ترکی، باز هم مولویه زبان فارسی را نزد خود گرمی داشتند. زبان فارسی را با ذوق و شوق آموختند و کسانی از آنان به فارسی شعر سرودند و در خانقاه‌های مولویه خواندن مثنوی و غزل‌های مولوی جزو سنن طریقت بود (ریاحی، ۱۳۶۹: ۱۰۲). با نفوذ صوفی‌های مولویه در بالکان نیز، در خانقاه‌ها و زاویه‌ها زبان فارسی به عنوان زبان ادبی و عرفانی در آن مکان‌ها تدریس می‌شد. کثرت اصطلاحات فارسی و اجرای مثنوی‌خوانی در محافل و مجالس خانقاه‌های این سلسله، زبان فارسی را زبان راز و نیاز صوفیان گردانیده بود (گلشنی، ۱۳۵۴: ۲۹ و ۴۰).

علاقه شدید صوفی‌های مولویه به موسیقی (با روح اسلامی-سنی) و تعلیم آن، شالوده موسیقی عثمانی را از هر جهت تشکیل داده است و الهام‌بخش شاعران، موسیقیدانان و آهنگسازان کلاسیک بسیاری در قلمرو امپراتوری عثمانی بوده است. سماع‌خانه‌ها نیز ماهیت تالارهای کنسرت را داشتند و به عنوان یک کانون عظیم در اشاعه موسیقی عثمانی ایفای نقش نمودند (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷: ج ۲: ۸۹۷؛ لوئیس، ۱۳۵۰: ۲۲۷).

بدین ترتیب بهترین قطعات موسیقی کلاسیک ترکی از قبیل قطعات ساخته عطری در قرن ۱۱ ق. / ۱۷ م. به وسیله هنرمندانی ساخته شده است که یا از سلسله مولویه بوده یا با مولوی‌ها در ارتباط بوده‌اند (شیمل، ۱۳۷۵: ۵۲۰؛ لویزن، ۱۳۸۹: ج ۲: ۳۴۳). وجود پادشاهان، وزیران، شیخ‌الاسلام‌ها و پاشاها در میان منسوبان این طریقت، برای مولویه نوعی هویت رسمی بخشیده بود و خانقاه با نیرو گرفتن از این هویت بود که می‌توانست با اهل مدرسه که موسیقی را ناخوش می‌داشتند و با تصوف مخالف بودند، مقابله کند (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷: ج ۲: ۸۹۷).

در خانقاه‌ها که مرکز فرهنگ مردمی ترکی بود، شاعران صوفی‌مسلك به خصوص شاعران بکتاشی، ضمن اینکه شعرهای صوفیانه خلقی مرام را برای عموم تبلیغ می‌کردند، اشاعه و سیر تکاملی لهجه ترکی آناتولی را نیز منجر شدند و بدین ترتیب سه نوع ادبیات در این زبان به وجود آمد: ۱. ادبیات صوفیانه، ۲. ادبیات دیوانی، ۳. ادبیات خلقی (مردمی). شاعران بکتاشی اغلب شعرهای صوفیانه را به ترکی و به وزن هجائی می‌سرودند (هیئت، ۱۳۸۰: ۱۳۴؛ دونمز، ۱۳۸۹: ۴۰). چرا که بکتاشیه زبان بومی ترکی را استفاده می‌کردند و بر زبان‌های دیگر (عربی و فارسی) ترجیح می‌دادند. در واقع ادبیات صوفیانه بکتاشی رسوم و عادات و نظرگاه ملی را منعکس می‌کرد (حتی، ۱۳۸۲: ۳۷۶). نفوذ و گسترش بکتاشی‌گری در ادبیات، موسیقی (بارانی، ۱۳۹۷: ۱۶۷)، فولکور، میراثی، سطحیه، دشت کربلا، منظومه‌ها، سماع، اشعار مربوط به الله، علی علیه السلام و دوازده امام، به حدی رسید که در اندک زمانی جایگاهی خاص برای خود یافت (امامی خوئی، ۱۳۹۲: ۳۱۸). شاعران بکتاشی به خصوص علی علیه السلام را ستوده و مقام شامخی برای وی قائل بودند (الشیبی، ۱۳۸۷: ۳۶۰). از برجسته‌ترین شاعران و عارفانی که کمک زیادی به نشر ادب بکتاشی در قلمرو عثمانی نموده است، می‌توان کایقوسوز ابدال و سرسم علی بابا را نام برد. کایقوسوز ابدال در قرن ۹ ق. / ۱۵ م. در ولایات اروپایی امپراتوری عثمانی زندگی می‌کرد (شیمل، ۱۳۷۵: ۵۳۳؛ احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷: ج ۲: ۳۲۷). سرسم علی بابا نیز از نخستین شاعران بکتاشی آلبانیا در قرن ۱۰ ق. / ۱۶ م. بود (انوشه، ۱۳۷۱: ج ۳: ۳۸۹).

شاعران بکتاشی در حیات فرهنگی و ادبی جامعه عثمانی نقش مؤثری ایفا نمودند و منبع الهام بسیاری از شاعران تکیه‌ها، عاشق‌ها و شاعران اردو بودند (شیمل، ۱۳۷۵: ۵۳۸؛ راوندی، ۱۳۷۴: ج ۸: ۶۲۵). به طوری که عده‌ای از شاعران عثمانی وابستگی خاصی به ادبیات بکتاشیه داشتند و آثار و اشعار زیادی به ادبیات عثمانی‌ها افزودند (آژند، ۱۳۶۹:



۱۱۳). حتی شعرهای بکتاشیه در سلاطین عثمانی نیز تأثیر گذاشت به طوری که اغلب پادشاهان و شاهزادگان حامی شعر و شاعری بودند و اغلب آنان شعر می‌سرودند. از جمله سلطان مراد دوم که هم در ترویج علم و شعر ترکی و موسیقی بسیار کوشید، هم گهگاهی خودش شعر می‌سرود. وی به حمایت از موسیقی نیز همت گمارد (هیئت، ۱۳۸۰: ۱۲۶). سلطان محمد دوم نیز شعر را مورد توجه قرار داده بود و منظومه‌هایی با تخلص محبی گرد آورده بود (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۹: ج ۲: ۵۵۰). در مجالس خصوصی سلطان سلیم اول نیز شاعران بارزتری حضور می‌یافتند. علاوه بر اینکه سلطان سلیم اول به شعر و ادب توجه داشت، خود نیز شعر می‌سرود و حتی شعرهایی به زبان فارسی از او مانده است (همان: ج ۲: ۳۲۶). تأثیر بکتاشیه در رواج شعر و ادب ترکی به حدی رسید که در قرن ۱۰ ق. / ۱۶ م. زبان و ادب ترکی بسیار ترقی کرد و در همه شهرها از جمله روم ایلی، مدرسه و خانقاه دایر و در آن‌ها زبان ترکی تدریس و به شعرا مقرر داده می‌شد. سلطان سلیمان اول نیز به شعر و ادب توجه خاصی داشت به طوری که خود شعر ترکی می‌سرود و از شعرا نیز حمایت می‌کرد. صدراعظم ابراهیم پاشا نیز شاعر و حامی شعر بود (هیئت، ۱۳۸۰: ۱۳۲). به طور کلی می‌توان گفت شعر و ادب بکتاشی سرمایه بزرگ ادبی این طریقت محسوب می‌شد، که بکتاشی‌ها با تکیه بر این عنصر ادبی و معنوی، علاوه بر اینکه باعث ترویج آرا و عقاید خود می‌شدند، بلکه با استفاده از زبان شعر و نیز گزینایی افکارشان به لحاظ فرهنگی در زندگی مردم آناتولی تأثیر گذاشته و گامی در جهت تقویت وجهه فرهنگی و معنوی حکومت عثمانی نیز برداشتند.

۵. کارکردهای اقتصادی وقف در خانقاه‌ها

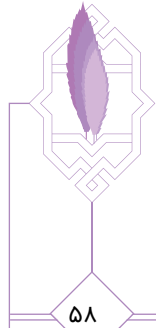
یکی از مهمترین کارکردهای وقف، کارکرد اقتصادی است، به طوری که در افزایش سطح اشتغال، ایجاد رفاه عمومی و کمک به عدالت اقتصادی، و تعدیل و توزیع ثروت از طریق تشویق ثروتمندان به خیرات جهت کمک به نیازمندان نقش اساسی ایفا می‌کند. معمولاً بعد از تأسیس خانقاه‌ها، موقوفاتی از جانب سلاطین عثمانی و مردان قدرتمند حکومت بر آنان فراهم می‌شد و با این امر، گروه‌های صوفیه مورد حمایت قرار می‌گرفتند و از لحاظ اقتصادی از درآمد موقوفات بهره‌مند می‌شدند. این اوقاف سبب شد که مشایخ صوفیه به ثروتمندان تکیه کنند. بدین ترتیب پشتوانه خانقاه‌ها عواید اوقافی سلاطین و بزرگان بود (گولپینارلی، ۱۳۸۲: ۳۲۴؛ اینالجق، ۱۳۹۴: ۳۱۹). در واقع حاکمان

عثمانی با اعطای موقوفات و هدایا به خانقاه‌ها، به حمایت از آنان پرداختند تا آسایش آنان فراهم گشته و از نظر اقتصادی در فشار و تنگنای زندگی نباشند (لاپیدوس، ۱۳۸۱: ۴۶۴؛ مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ج ۲: ۹۱۱؛ الفهد، ۱۴۳۹: ۵). از طرفی نیز همراهی گروه‌های صوفیه در سازمان‌یابی حکومت عثمانی، همواره توجه عثمانی‌ها نسبت به صوفی‌ها را در پی داشت، تا جایی که گروه‌های صوفیه از حمایت‌های مالی عثمانی‌ها برخوردار شدند و احسان‌ها و عطایای درگاه تزاید یافت و خانقاه‌ها به وقف وابسته شدند (گولپینارلی، ۱۳۸۲: ۳۵۳). هزینه تعمیرات خانقاه‌ها و ساختمان‌های سوخته و ریخته نیز از خزانه دولت عثمانی پرداخت می‌شد. میراث درویشان صوفی که خواه در خانقاه‌ها فوت می‌شدند، خواه در منزل خود، اگر وارثی نداشتند بعد از مرگ آنان به خانقاه‌ها واگذار می‌شد (همان: ۳۴۰).

طریقت‌های صوفیه گاهی به اندازه‌ای به مورد توجه سلاطین عثمانی قرار می‌گرفتند که بعد از فتوحات، در مناطق تازه فتح شده، زمین‌هایی جهت تأسیس خانقاه به آنان اختصاص داده می‌شد و موقوفاتی معین می‌شد تا فعالیت‌های صوفی‌ها را از نظر مالی تأمین و تقویت کند (شاو، ۱۳۷۰: ج ۱: ۴۳؛ gündüz, ۲۰۰۵: ۱: ۴۸۲). خانقاه‌ها با بهره‌مندی از این حمایت‌های مالی و موقوفات، تلاش‌های بسیاری برای ایجاد اشتغال و ایجاد رفاه صوفی‌ها و کمک نیازمندان ایفا می‌کردند.

بخش مهمی از فعالیت طریقت‌های صوفیه، استقبال از کوچ‌نشینانی بود که سرزمین خود را ترک کرده و وارد آناتولی شده بودند، که صوفی‌ها در صدد پناه دادن به آن‌ها و عادت دادن آن‌ها به سرزمین جدید و زندگی یکجانشینی بودند. مهمترین گام در این زمینه، تأمین کار و اشتغال‌زایی برای آنان و ایجاد تسهیلات برای اشتغال آنان در شهرها بود (امامی خوئی، ۱۳۹۲: ۱۱۵؛ اوجاق و بایرام، ۱۳۸۴: ۱۹۷-۱۹۶). در واقع می‌توان گفت طریقت‌های صوفیه با تکیه بر موقوفات، با جذب کوچ‌نشینان و تأمین شغل برای آنان، و متمرکز کردن آنان در اصناف گوناگون، در تقویت بنیه‌های اقتصادی حکومت عثمانی همت گماردند.

در واقع صوفی‌ها با تکیه بر اصول تصوف و با شجاعت تمام، ضمن تأمین عدالت اجتماعی برای تأمین اقتصادی نیز فعالیت می‌کردند. آنان برای اینکه جوانان در جامعه اشخاصی مفید واقع شوند، آن‌ها را به انواع حرفه و شغل گرایش می‌دادند. جوانان با اتحاد با صوفی‌ها، هم ارزش‌های اخلاقی و دینی را آموزش دیده و هم در کارها مهارت



می‌یافتند. طریقت‌های صوفیه به خصوص اخی‌ها در سازمان دادن تشکیلات اصناف دوره عثمانی جایگاه مهمی داشتند. در تمام شهرها به خصوص شهرهای توسعه یافته نظیر قونیه، قیصریه و سیواس، برای شاخه‌های مختلف اصناف مکان‌هایی اختصاص داده بودند. همبستگی اعضای اصناف تا حدی با الهام از سنت‌های تصوف و نگرش اخلاقی آنان و تا حدی هم با تکیه بر قهرمانی‌ها و دلیری‌ها ابقا و حفاظت می‌شد (Yücel, ۱۹۹۱: ۳۲۰-۳۲۱; tekin, ۲۰۰۶: ۲۲۱; tezcan, ۱۹۸۹: ۷). تشکیلات صوفی‌گری از طرفی با ترویج اصول اخلاقی در محیط‌های صنعتی، روابط تولید و مصرف را نیز سامان می‌داد (Çagatay, ۱۹۸۹: ۱۹۱) و از طرفی با مداخله کردن در حیات کاری، ساخت و تولید، باروری، بررسی قیمت‌ها و کنترل کیفیت، تشکیلات اصناف را سامان می‌بخشید (demirpolat, akca, ۲۰۰۴: ۳۷۰). می‌توان گفت توجه صوفی‌ها به شاخه‌های مختلف صنایع باعث می‌شد که آنان در تکوین و گسترش صنعت و تجارت شهرها نقش مؤثری ایفا کرده و در حیات اقتصادی جامعه عثمانی سهیم باشند.

نتیجه‌گیری

قلمرو پهناور عثمانی دارای تنوع جمعیتی متنوعی بود که در این بین، طریقت‌های صوفیه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند و زندگی و آداب و رسوم مذهبی آنان وابسته به خانقاه‌ها بود. خانقاه‌ها با بهره‌مندی از حمایت‌های مالی و موقوفات سلاطین عثمانی و ثروتمندان، در سرتاسر قلمرو عثمانی گسترش و توسعه یافتند. سلاطین عثمانی انگیزه‌های مختلفی از وقف داشتند. برخی اوقات به دلیل ارادت به طریقت‌های صوفیه، با انگیزه‌های خیرخواهانه موقوفاتی را برای خانقاه‌های صوفیه اختصاص می‌دادند، چراکه صوفی‌ها از نظر مذهبی با عثمانی‌ها در تعامل بودند، آنان یا سنی مذهب بودند یا اصول سنی‌گری را رعایت می‌کردند. برخی مواقع نیز به دلیل شرکت کردن صوفی‌ها در فتوحات عثمانی و تقویت رفتارهای معنوی و نظامی لشکر بینی‌چری، موقوفاتی را برای خانقاه آنان اختصاص می‌دادند. به طور کلی وقف در ساماندهی خانقاه‌ها، زندگی فردی و اجتماعی صوفی‌ها، و جامعه عثمانی بسیار تأثیرگذار بوده و در عرصه‌های گوناگون حیات دینی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نقش برجسته‌ای ایفاء نموده است.

کارکردهای اجتماعی وقف در قلمرو عثمانی تأثیرات قابل توجهی داشته است. عثمانی‌ها با اختصاص موقوفات به خانقاه‌ها و برقراری مناسبات تعاملی با طریقت‌های صوفیه، با آنان پیوند یافته و نوعی وابستگی اجتماعی میان عثمانی‌ها و صوفی‌ها ایجاد شد. از طرفی نیز چون محل ذکر و عبادت و سماع و رقص صوفی‌ها، خانقاه‌ها بودند و باورهای صوفیانه و مذهبی آنان نیز در خانقاه‌ها تبلیغ می‌شد، با رواج باورها و عقاید و آداب و سنن آنان، طبقات مختلف اجتماعی اعم از اشراف و مردم عادی جذب گروه‌های صوفیه می‌شدند. اختصاص موقوفات به خانقاه‌ها، در ساخت فضاهای خدماتی و آباد کردن مناطق مختلف و تأمین امنیت راه‌ها نیز مؤثر بود. کارکردهای فرهنگی وقف نیز، در گسترش علم و ادب و هنر در قلمرو عثمانی بسیار حائز اهمیت بوده و در ارتقای فرهنگ دینی و اجتماعی، ارتقای سطح علوم و مهارت‌های مختلف شغلی، و ایجاد زمینه‌های اقتصادی نقش اساسی ایفاء کرده است. کارکردهای اقتصادی وقف نیز، از طریق کمک به گسترش صنعت و تجارت، ایجاد رفاه عمومی و کمک به عدالت اقتصادی، و تعدیل و توزیع ثروت از طریق تشویق ثروتمندان به وقف جهت کمک به نیازمندان، بسیار قابل توجه است.



کتاب نامه

- آژند، یعقوب (۱۳۶۹). *حروفیه در تاریخ*. تهران: نشر نی.
- ابن بطوطه (۱۳۷۶). *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، بی جا، آگاه.
- ابن بی بی المنجمه، امیر ناصرالدین حسین بن محمد (۱۳۵۰). *اخبار سلاجقه روم*، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران: کتابفروشی تهران.
- احسان اوغلو، اکمل الدین و دیگران (۱۳۹۷). *دولت و جامعه در دوره عثمانی*، ترجمه علی کاتبی و توفیق هاشم‌پور سبحانی، مهدی گلچین عارفی، حجت فخری، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: کتاب مرجع.
- الفهد، شیخ ناصر (۱۴۳۹). *تاریخ عثمانی و سلطنت*، ترجمه محب الغریبا، بیروت: مؤسسه مکتبه الموحدین.
- الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۸۷). *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاتوی قراقرلو، تهران: امیرکبیر.
- امامی خوئی، محمدتقی (۱۳۹۲). *ترکان، اسلام و علوی‌گری-بکتاشی‌گری در آناتولی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اوچاق، احمدیاشار و میکائیل بایرام (۱۳۸۴). *جنبش‌های عرفانی-سیاسی در زمان سلجوقیان*، ترجمه محمدتقی امامی خوئی، تهران: گواه.
- اوچاق، احمدیاشار (۱۳۸۵). *از عصیان بابائیان تا قزلباش‌گری نگاهی به تاریخ و ظهور و رشد علویان در آناتولی*، ترجمه شهاب ولی، قم: تاریخ اسلام.
- اوزون چارشلی، اسماعیل حقی (۱۳۷۹). *تاریخ عثمانی*، ترجمه ایرج نوبخت، تهران: کیهان.
- اینالچق، خلیل (۱۳۹۴). *امپراتوری عثمانی عصر متقدم ۱۶۰۰-۱۳۰۰*، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: بصیرت.
- بارانی، محمدرضا (۱۳۹۷). *تاریخ امپراتوری عثمانی*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- پورگشتال، یوزف هامر (۱۳۶۷). *تاریخ امپراتوری عثمانی*، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، به اهتمام جمشید کیان فر، تهران: زرین.
- حتی، فیلیپ خوری (۱۳۸۲). *شرق نزدیک در تاریخ*، ترجمه قمر آریان، تهران: علمی و فرهنگی.
- دایره‌المعارف تشیع (۱۳۷۱). *بکتاشیه*، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی، بهال‌الدین خرمشاهی، تهران: بنیاد خیریه و فرهنگی شط.
- دورسون، داود (۱۳۸۱). *دین و سیاست در دولت عثمانی*، ترجمه منصوره حسینی و داود وفائی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دونمز، نوری (۱۳۸۹). *علویان ترکیه*، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- راوندی، مرتضی (۱۳۷۴). *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: نگاه.

• ریاحی، محمدمبین (۱۳۶۹). *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران: پازنگ.

• ساسانی، خان ملک (۱۳۵۴). *یادبودهای سفارت استانبول*، تهران: بابک.

• سامی، شمس‌الدین (۱۳۱۱ ق.). *قاموس‌الاعلام*، استانبول: مطبعه مهران.

• شاو، استانفورد جی (۱۳۷۰). *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.

• شپیل، آنه ماری (۱۳۷۵). *ابعاد عرفانی اسلام*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

• طاشکبری‌زاده، عصام‌الدین احمد (۱۳۸۹). *الشقائق العثمانیه فی علماء الدوله العثمانیه*، تصحیح و تحقیق محمد طباطبائی بهبهانی (منصور)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

• عربخانی، رسول (۱۳۹۴). *تاریخ عثمانی و خاورمیانه*، تهران: دانشگاه پیام نور.

• غلامعلی‌پور، محمدرضا (۱۳۹۰). *رقص صوفیانه*، تهران: راه نیکان.

• فریدلندر، ایرا شمس (۱۳۸۲). *مولانا و چرخ درویشان*، تهران: زریاب.

• کیانی (میرا)، محسن (۱۳۶۹). *تاریخ خانقاه در ایران*، تهران: کتابخانه طهوری.

• کین راس، لرد (۱۳۷۳). *قرون عثمانی، ظهور و سقوط امپراتوری عثمانی*، ترجمه پروانه ستاری، تهران: کهکشان.

• گلشنی، عبدالکریم (۱۳۵۴). *فرهنگ ایران در قلمرو ترکان*، شیراز: تجارتخانه گلشنی.

• گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۴). *در بیان ادبیات دیوانی*، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران: سروش.

• — (۱۳۸۲). *مولویه پس از مولانا*، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران: نشر علم.

• — (۱۳۷۹). *فتوت در کشورهای اسلامی و مآخذ آن*، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران: روزنه.

• — (۱۳۷۸). *ملامت و ملامتیان*، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران: روزنه.

• لابی ار، آلفرد (۱۳۷۵). *سلیمان خان قانونی و شاه طهماسب*، ترجمه و اقتباس ذبیح‌الله منصور، تهران: زرین.

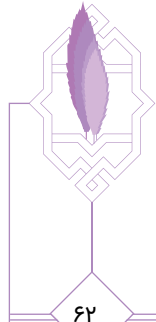
• لاپیدوس، ایرام (۱۳۸۱). *تاریخ جوامع اسلامی*، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: اطلاعات.

• لویزن، لئونارد (۱۳۸۴). *میراث تصوف*، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران: نشر مرکز.

• لوئیس، برنارد (۱۳۵۰). *استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی*، ترجمه ماه ملک بهار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

• لوئیس، فرانکلین دین (۱۳۸۵). *مولانا دیروز تا امروز شرق تا غرب، درباره زندگی، معارف و شعر جلال‌الدین محمد بلخی*، ترجمه حسن لاهوتی، تهران: نامک.

• مبلغی آبادانی، عبدالله (۱۳۷۶). *تاریخ صوفی و صوفیگری*، قم: حز.



- محمدزاده صدیق، حسین (۱۳۶۹). *سیری در اشعار ترکی مکتب مولویه*، تهران: ققنوس.
 - معصومه‌علیشاه شیرازی (نائب‌الصدر). محمد معصوم بن زین‌العابدین، (۱۳۸۲)، *طرائق‌الحقائق*، تصحیح محمدجعفر محبوب، تهران: سنایی.
 - منجم باشی، احمد بن لطف‌الله (۱۳۹۳). *تاریخ منجم باشی یا صحایف‌الاکبار فی وقایع‌الآثار*، از تشکیل دولت عثمانی تا پایان سلطنت سلیمان خان قانونی، ترجمه نصرت‌الله ضیائی، تهران: مهراندیش.
 - نظامی، خالق احمد (۱۳۹۷). *تصوف و طریقت، نگاهی تاریخی*، ترجمه علیرضا رضایت، تهران: حکمت.
 - هیئت، جواد (۱۳۸۰). *سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی*، تهران: پیکان.
-
- Akgündüz, Murat (2007). Mevlevilik ve Osmanli Padişahlari, Harran U. ilahiyat Fak. Dergisi, sayi 18.
 - Barkan, ömer Lütfi (1942). kolanizatör türk dervişleri, Ankara, Vakıflar Dergisi.
 - Çağatay, Neşet, (1989), Bir türk kurumu Olan Ahilik, Ankara, Türk Tarih Kurumu Yayinlari.
 - Demirpolat, Anzavur, Gürsoy Akça (2004). ahilik ve Türk Sosyo-Kültürel Hayatına Katkiları, Selçuk Üniversitesi Türkiyat Araştırma Dergisi, sayi 15.
 - Ekinci, Yusuf (1990). Ahilik ve Meslek Eğitimi, Ankara, Mili Eğitim Bakanlığı Yayinlari.
 - Gölpınarlı, Abdülbaki (1953). Mevlanadan sonra Mevlevilik, İnkilap kitabevi, İstanbul.
 - Gündüz, Ahmet (2005). Beylikler ve Osmanli Devletinin Kuruluşunda Ahilerin Siyasi ve Askeri Rolü, G. U. I. Ahi Evran-i veli ve Ahilik Arastirmaları Sempozyumu (12-13 Ekim 2004 Kırşehir) Makaleleri, Hazirlayan M. Fatih Koksall, Kırşehir.
 - Özköse, Kadir (2011). Ahilikte Ahlak ve Meslek Eğitimi, Cumhuriyet Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi, Cilt 15, sayi 2.
 - Savaş, Saim (2002). XVI Asirda Anadoluda Alevilik, Ankara, Vadi Yayinlari.
 - Tekin, Mustafa (2006). Bir Sosyal Kontrol Aracı Olarak Ahilik ve Toplumsal Dinamikleri, Selcuk Universitesi İlahiyat Fakultesi Dergisi, Cilt 21, sayi 21.
 - Tezcan, Mahmut (1989). Sosyal Değişme Süreginde Çankiri Yaran Sohbetleri, Kültürel Antropolojik Yaklaşım, Ankara, Kültür Bakanlığı.
 - Yücel, Yaşar (1991). Anadolu Beylikleri Hakkında Arastirmalar, Ankara, Türk Tarih Kurumu Yayinlari.